

Urbanization and the Necessity of Multi-Level Cultural Governance in Supporting Linguistic Diversity in Iran

Ebrahim Oloumi, Phd in International Relations from University of Tehran, Researcher of Center for Graduate International Studies of University of Tehran. Email: eoloumi@ut.ac.ir

Abstract

The growth of urbanization in Islamic Republic of Iran has been associated with rapid social and cultural changes, which its first victims are the native languages of the immigrants to the cities. According to this, the local and native languages in Iran, whose main focal points are villages and small towns, have been exposed to gradual destruction. With the intensification of the challenge, the question arises, what strategy should be adopted in the cultural governance of the Islamic Republic of Iran to support linguistic diversity? The hypothetical answer with a prescriptive approach is that, considering the speed of urbanization and growing threat to linguistic diversity in Iran, the country's cultural governance strategy should be to support linguistic diversity by using multi-level cultural governance: transnational institutions, nation-state, transnational networks, sub-national governments, civil society and place-based participation. The findings of the research, which were obtained using the descriptive-analytical method, while proving the proposed hypothesis, show that with paying attention to the growing threat against linguistic diversity and the existence of a legal vacuum regarding the central government's support for linguistic diversity, the country's cultural governance should not only use the capacity of governmental institutions in policy-making, but should also take a multifaceted view of the capacity of non-governmental, domestic and international organizations as well as international cultural organizations such as UNESCO to take advantage of their facilities and material benefits and spiritual support in order to support linguistic diversity in Iran.

Key words

Multi-Level Governance, Cultural Governance, Urbanization, Linguistic Diversity.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهرنشینی و ضرورت حکمرانی فرهنگی چندسطحی در حمایت از تنوع زبانی در ایران

ابراهیم علومی^۱

چکیده

رشد شهرنشینی در ایران با تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی همراه بوده است، تغییراتی که نخستین قربانیان آن، زبان‌های بومی مهاجران به شهرهاست. بر این اساس زبان‌های محلی و بومی ایران که کانون اصلی آن‌ها روستاها و شهرهای کوچک است در معرض نابودی تدریجی قرار گرفته‌اند. با تشدید چالش پیش‌آمده، این پرسش مطرح می‌شود که در حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از تنوع زبانی چه راهبردی باید اتخاذ شود؟ پاسخ فرضی که با رویکرد تجویزی به آزمون داده‌ها گذاشته شد این است که با توجه به سرعت رشد شهرنشینی و گستره تنوع زبانی در ایران، راهبرد سیاست‌گذاری فرهنگی کشور باید حمایت از تنوع زبانی با استفاده از حکمرانی فرهنگی چندسطحی باشد که در سطوح نهادهای فراملی، حکومت - ملت، شبکه‌های فراملیتی، دولت‌های فرو ملی، جامعه مدنی و مشارکت مبتنی بر مکان قابل اجراست. یافته‌های پژوهش که با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به دست آمد، ضمن اثبات فرضیه مطرح‌شده، نشان می‌دهد که با توجه به تهدید فزاینده علیه تنوع زبانی و وجود خلأ قانونی در مورد حمایت حکومت از تنوع زبانی، حکمرانی فرهنگی کشور نه تنها باید در سیاست‌گذاری‌ها از ظرفیت نهادهای حکومتی استفاده کند، بلکه باید با نگاهی چندوجهی از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی و بین‌المللی و نیز سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی همچون یونسکو بهره‌گیرد تا از امکانات و مزایای مادی و پشتیبانی‌های معنوی آن‌ها در جهت حمایت از تنوع زبانی در ایران برخوردار شود.

واژگان کلیدی

حکمرانی چندسطحی، حکمرانی فرهنگی، شهرنشینی، تنوع زبانی.



مقدمه و بیان مسئله

زبان شناسان درباره تعداد زبان‌های موجود در دنیا اختلاف نظر دارند به نحوی که وگلین و وگلین^۱ در سال ۱۹۷۷ م. ۴۵۰۰ زبان مرده و زنده را فهرست کردند و رولن^۲ در سال ۱۹۸۷ تعداد زبان‌های زنده را ۵۰۰۰ زبان برشمرد. همچنین گرایمسز^۳ در ۱۹۸۸ از ۶۰۰۰ زبان در دنیا نام برد و کراوس نیز وجود ۶۰۰۰ زبان در دنیا را معقول دانست (Cited in Kraus, 1992: 5). با وجود این، درباره افول تنوع زبانی نگرانی‌های جدی وجود دارد. هرچند زبان شناسان هنگام بررسی تنوع زبانی در دنیا، اهمیت آن را با تنوع زیستی مقایسه می‌کنند، اما طبق شواهد زبان‌ها بسیار سریع‌تر از موجودات دیگر از بین می‌روند. درحالی که میزان خطر انقراض ماهی‌ها ۵٪، گیاهان ۸٪، پرندگان ۱۱٪ و پستانداران ۱۸٪ است، اما این میزان در مورد زبان‌ها به بیش از ۴۰٪ می‌رسد (Harrison, 2007: 7). تحقیقات کراوس نشان می‌دهد که ۹۰٪ زبان‌های دنیا تا پایان قرن ۲۱ از بین خواهند رفت یا در چرخه انقراض قرار می‌گیرند. این بدان معنی خواهد بود که فقط ۶۰۰ زبان از حدود ۶۰۰۰ زبان موجود در دنیا از خطر درامان‌اند (Kraus, 1992: 7). بر اساس گزارش مجمع دائمی سازمان ملل متحد در مورد مسائل بومیان^۴، حدود ۴۰ درصد از ۶۷۰۰ زبانی که تا سال ۲۰۱۶ صحبت می‌شده در خطر ناپدید شدن قرار دارند (Unesco, 2021: 2). همسوبا تغییرات زبانی در دنیا، افول تنوع زبانی در ایران نیز بحثی جدی است. طبق برآورد اطلس زبان‌های در معرض خطر جهان^۵ که زیر نظر یونسکو منتشر می‌شود بیش از ۲۰ زبان در ایران در معرض نابودی و انقراض کامل هستند. طبق برآورد یونسکو و اطلس مزبور از ۷۶ زبان زنده ایران حدود نیمی از آن‌ها در معرض خطر هستند. در این میان ۲ زبان: لشان ددان و هولالولا منقرض شده‌اند، ۳ زبان سنایا، مانداییک، کوروشی در شرایط بحرانی هستند، ۲ زبان: نطنزی، نایینی به شدت در خطر نابودی قرار دارند، ۱۴ زبان: تاتی، آرامی، هورامی، جیدی، وفسی، آشتیانی، سمنانی، خوانساری، گزی، دری زرتشتی، سوی، بشاگردی، اچمی، سیوندی، در معرض خطرند و ۳ زبان تالشی، خلجی، ترکی خراسانی در وضعیت آسیب‌پذیرند (Wikipedia, 2023 & Atlas of Unesco, 2010: 45-46). ایران در زمره کشورهایی است که جمعیت شهرنشین آن در دهه‌های اخیر بر اثر

1. Voegelin & Voegelin

2. Ruhlen

3. Grimes

4. UN's Permanent Forum on Indigenous Issues

5. Atlas of the World's Languages in Danger

مهاجرت روستائیان به شهرها به سرعت رشد کرده است. شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در شهرها نیست، بلکه فرایندی پویا همراه با دو نوع حرکت و تغییر است: نخست، حرکت و جابجایی جمعیت از مناطق روستایی به شهری همراه با تغییر در کارکردها به ویژه کارکرد اقتصادی مهاجرین؛ و دیگری، تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری و به عبارت بهتر فرهنگ آن‌ها (ازکیا، غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴). زبان نیز یکی از عناصر فرهنگی است که به سبب کارکرد ارتباطی اش تحت تأثیر شهرنشینی، دچار دگرگونی شده و قربانی مهاجرت می‌شود. زبان‌های بومی محلی در ایران که روستاها و شهرهای کوچک، کانون اصلی آن‌هاست با رشد سریع شهرنشینی در معرض افول تدریجی قرار گرفته‌اند. با توجه به اهمیت تنوع زبانی در کشور از یک سو و در معرض تهدید قرار گرفتن بسیاری از زبان‌های بومی - محلی در اثر شهرنشینی لجام گسیخته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) از دیگر سو، این پژوهش تلاش دارد تا با تکیه بر تجربیات جهانی، راهکار عملیاتی متناسب با زیست‌بوم کشور را برای حفظ تنوع زبانی شناسایی و معرفی کند.

اهمیت پژوهش حاضر به درک این موضوع بازمی‌گردد که تنوع زبانی از ارکان بنیادین غنای فرهنگی کشور است که در معرض طوفان سهمگین شهرنشینی قرار دارد. برنامه‌ریزی هدفمند و سازمان‌یافته برای مقابله با چنین مسئله‌ای مستلزم آن است تا زبان‌های بومی - محلی که در نظام حکمرانی کشور متولی مشخصی ندارند و رها شده‌اند، از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی و بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته و از افول و فراموشی آن‌ها جلوگیری شود.

پیشینه پژوهش

ملت‌دوست و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی متغیرهای اجتماعی و مهاجرت بر کاربرد تنوعات گویشی و زبانی در شهر تهران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی» نتیجه می‌گیرند که کاربرد زبان معیار در میان مهاجران به شهر تهران رشد صعودی داشته و کاربرد گونه‌های مختلف زبان غیرمعیار در میان آنان رو به افول نهاده است. بر اساس یافته‌های این مقاله «قدرت اقتصادی، سیاسی و نیز آموزشی گونه معیار زبان فارسی، کاربرد گونه غیرمعیار را به شدت کاهش داده است».

صباغیان و علومی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن، تشدید شهرنشینی و افول تنوع زبانی»، پیامدهای منفی جهانی‌شدن از رهگذر شهرنشینی را بر تنوع زبانی بررسی

کرده و نشان می‌دهند که چگونه شهرنشینی بر زبان‌های بومی محلی تأثیر منفی می‌گذارد. باقری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی هویت زبانی مهاجرین قوم لک ساکن تهران» نشان می‌دهند که نسل دوم مهاجران لک ساکن در تهران در مقایسه با نسل اول آنان علاقه کمتری به هویت زبانی خود نشان می‌دهند. بشیرنژاد (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیلی اجتماعی - زبان‌شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران» به این نتیجه می‌رسد که در مناطق شهری مازندران زبان فارسی بیش از مناطق روستایی رواج دارد و شهرنشینان نسبت به روستائیان تمایل بیشتری به استفاده از زبان رسمی و معتبر و انتقال آن به نسل بعد دارند.

محمد گل‌فراز عباسی^۱ و دیگران (۲۰۲۰) در مقاله «تعیین افول زبانی و فرهنگی: تحلیلی از شهرنشینی و مهاجرت در پاکستان» به چگونگی تأثیر شهرنشینی بر افول زبان و فرهنگ بومی مهاجران موری^۲ پرداخته‌اند. مصاحبه‌های قوم‌نگارانه از این مهاجران نشان می‌دهد که کل فرهنگ پاهاری^۳ و زبان پاهاری در نتیجه این شهرنشینی در خطر است. ترین^۴ (۲۰۱۹) در مقاله «شهرنشینی و تغییر زبان در ویتنام» با بررسی تغییر زبان در جوامع روستایی هانوی در فرایند شهرنشینی، کاهش شدید استفاده از گونه‌های زبانی و واژگان روستایی و افزایش انواع خاصی از گونه‌های شهری را نشان می‌دهد. در مقام مقایسه، پژوهش‌های اشاره شده با پژوهش حاضر اشتراک موضوعی دارند و بررسی تأثیر منفی شهرنشینی بر زبان‌های بومی محلی دغدغه مشترک آن‌هاست، لیکن رویکرد زبان‌شناختی یا زبان‌شناسی اجتماعی غالب بر پژوهش‌های مزبور نقطه افتراق آن‌ها با این نوشتار است. علاوه بر این، پژوهشگران یادشده در نقطه بررسی تأثیر منفی شهرنشینی بر زبان‌های بومی محلی متوقف مانده و راهکاری برای حمایت از تنوع زبانی ارائه نمی‌دهند؛ اما نویسنده این سطور تلاش دارد راهکاری سیاست‌گذارانه برای حمایت از تنوع زبانی در چارچوب تحلیلی حکمرانی چندسطحی ارائه دهد که بدیع و نوآورانه است.

هدف، پرسش، فرضیه و روش پژوهش

هدف این پژوهش ارائه راهکاری برای مقابله با نابودی زبان‌های بومی- محلی در ایران با استفاده از چارچوب تحلیلی حکمرانی چندسطحی است. متناظر با این هدف، پرسش محوری آن است که حکمرانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از تنوع زبانی مستلزم اتخاذ چه راهبردی است؟ فرضیه‌ای که با رویکرد تجویزی با محک داده‌ها به سنجش گذاشته می‌شود، بر این نکته اشاره دارد که راهبرد سیاست‌گذاری فرهنگی کشور برای حمایت از تنوع زبانی در معرض خطر رشد سریع شهرنشینی باید استفاده از حکمرانی فرهنگی چندسطحی باشد. چراکه به نظر می‌رسد، تحول از حکمرانی دولتی به حکمرانی چندسطحی می‌تواند مشارکت مادی و معنوی سازمان‌های دولتی و غیردولتی داخلی و بین‌المللی را برای احیاء و حفظ تنوع زبانی به همراه داشته باشد و ظرفیت و حجم فعالیت‌های مربوطه را ارتقاء بخشد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی- تحلیلی است و از داده‌های کتابخانه‌ای و دیجیتال و اسناد نهادهای بین‌المللی به‌ویژه یونسکو استفاده می‌شود.

۵. چارچوب تحلیلی: حکمرانی فرهنگی چندسطحی

در مقام تعریف، «حکمرانی» به ایجاد، ترویج و حمایت از نوع خاصی از رابطه بین بازیگران دولتی و غیردولتی در فرایند حکمرانی اطلاق می‌شود (Cited in Fukuyama, 2016:95). حکمرانی چگونگی تعامل دولت‌ها و دیگر نهادهای اجتماعی و نحوه ارتباط آن‌ها با شهروندان و چگونگی اتخاذ تصمیمات در دنیایی پیچیده است؛ بنابراین، حکمرانی فرایندی است که از طریق آن جوامع و نهادها تصمیمات خود را اتخاذ و تعیین می‌کنند چه کسانی و چگونه در این فرایند دخیل هستند (Graham, et al 2003:1). حکمرانی ناشی از روابط متقابل و مشترک میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است و روابط این سه گروه باعث تقویت سازوکارهای قابل اجرا می‌شود. با توجه به اینکه حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و روندی است که طی آن تصمیمات اتخاذ و اجرایی می‌شوند، تجزیه و تحلیل حکمرانی بر بازیگران رسمی و غیررسمی مشارکت‌کننده در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و ساختارهای رسمی و غیررسمی برای پیاده‌سازی تصمیمات متمرکز است (قوام، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۲). استوکر معتقد است که هرچند تعریف روشنی از حکمرانی وجود ندارد اما «اجماعی درباره نسبت دادن آن به توسعه سبک‌های حکمرانی وجود دارد که مرزهای بین و درون بخش‌های عمومی و خصوصی را درمی‌نوردد. بدین ترتیب، حکمرانی به‌منزله رویکردی چندبعدی و وابسته به متن

تعبیر می‌شود» (به نقل از وحدانی‌نیا و درودی، ۱۳۹۸: ۱۴۶). از این رو با توجه به بستر و حوزه موضوعی، گاه سخن از حکمرانی زیست‌محیطی، گاه حکمرانی امنیتی و گاه حکمرانی جهانی به میان می‌آید و در این مقاله با توجه به موضوع، سخن از حکمرانی فرهنگی در میان است.

۱-۵. حکمرانی فرهنگی

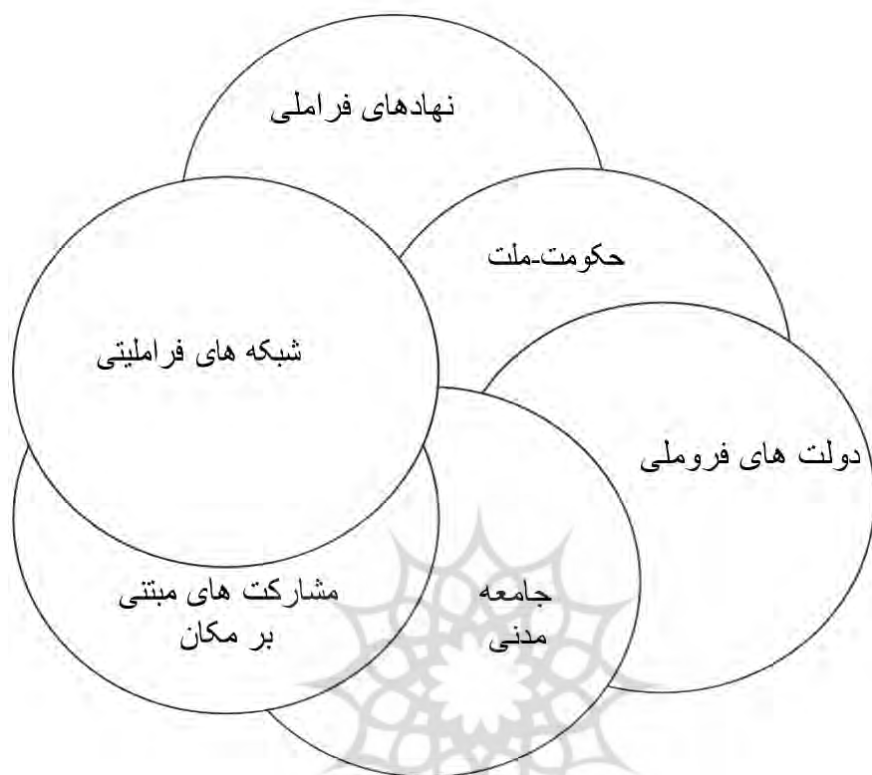
حکمرانی فرهنگی را می‌توان دخالت مستقیم یا غیرمستقیم دولت در تقویت و مدیریت برنامه‌های نهادهای فرهنگی در مرزهای جغرافیایی خاص با ترتیبات مالی و اداری واحد دانست (cited in King & Schramme, 2019: 7). حکمرانی فرهنگی به بازیگران اجتماعی، سازوکارها و شرایط تولید اجتماعی فرهنگ مانند اشکال فرهنگی و هنری بیان، نمادها، معنا و مفاهیم جمعی مربوط می‌شود (Schmitt, 2009: 104). در مفهوم محدود آن، حکمرانی فرهنگی با مباحث سیاسی درباره نهادهای فرهنگی یا اشکال فرهنگی مستقر مثل تئاتر، موسیقی، اپرا و کنترل و تعریف تولید اجتماعی آثار فرهنگی مرتبط است. مفهوم گسترده‌تر حکمرانی فرهنگی بر صنایع فرهنگی و نحوه تعامل بازار، اقتصاد فرهنگ و تولیدات فرهنگی تمرکز دارد. مفهوم حکمرانی فرهنگی همچنین به معنی اقدامات انجام شده توسط حکومت در مورد انواع بیان‌های فرهنگی، نمادها و نظام‌های جهت‌گیری فرهنگی در مورد اقلیت‌ها و به‌خصوص اقلیت‌های تحت فشار و خرده‌فرهنگ‌های ناسازگار است (Schmitt, 2009: 105). مباحث اجتماعی و کنترل تولید معنا و مفهوم اجتماعی، سیستم‌های جهت‌گیری فرهنگی و نمادهایشان و اشکال مختلف بیان‌های فرهنگی و هنری در مرکز رهیافت حکمرانی فرهنگی هستند (Schmitt, 2009: 105). از نگاه یونسکو «حکمرانی فرهنگی شامل چارچوب‌ها و سیاست‌های عمومی استانداردساز از یکسو و توانمندی‌های نهادی و زیرساخت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. همه اینها به‌عنوان ابعاد غیر قابل انفکاک برای خلق شرایط مطلوب است که فرهنگ را قادر می‌سازد به‌طور کامل در توسعه انسانی سهیم باشد» (Unesco, 2014: 64).



۲-۵. حکمرانی چندسطحی^۱

ماهیت متغیر حکمرانی منجر به بازنگری در شیوه‌های مشروعیت و اقتدار بین دولت‌های ملی و محلی، نهادهای فراملی و ملی، بازیگران دولتی و غیردولتی شده است. در نتیجه جغرافیای حکمرانی جدید را می‌توان با بازتوزیع عملکردهای دولت به سمت بالا به‌سوی سازمان‌های بین‌المللی و فراملی، به سمت پایین به‌سوی مناطق و شهرها و به خارج به‌سوی بازیگران غیردولتی شناسایی کرد (Bulkeley, et al, 2003: 237) بر این اساس، امروزه از حکمرانی چندسطحی صحبت می‌شود.

پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات فرهنگی



(Bulkeley, et al, 2003: 239)

حکمرانی چندسطحی شامل بازیگران دولتی و غیردولتی است که در سطوح مختلف محلی (فرو ملی)، ملی، جهانی (فراملی) قرار دارند. بر اساس نظریه حکمرانی چندسطحی، دولت‌ها دیگر بازیگران انحصاری یا حتی بازیگران محوری سیاستگذاری نیستند؛ در عوض قدرت دولت بین بازیگرانی که در سطوح چندگانه عمل می‌کنند، تقسیم و بدین صورت نقش دولت متحول شده است (Saito-Jensen, 2015: 2). سیستم‌های چندسطحی همچنین دربردارنده صلاحیت‌های کارکردی و غیرسیاسی هستند که اقتدار آن به وظیفه‌ای خاص محدود است؛ به عبارت دیگر، حکمرانی چندسطحی، مجموعه‌ای از اهداف کلی یا عملکردی سازمان‌های صاحب صلاحیت تعریف می‌شود که دارای درجاتی از خودمختاری در چارچوب ترتیبات حکمرانی مشترک هستند و بازیگران آن‌ها ادعا می‌کنند در تعامل پایدار در تعقیب خیری مشترک مشارکت دارند (Enderlein, et al, 2010: 3-4). حکمرانی چندسطحی به تصمیم‌گیرندگان

اجازه می‌دهد مقیاس حکمرانی را برای انعکاس ترجیحات متنوع شهروندان تنظیم کنند (Hooghe and Marks, 2002: 7). این نوع حکمرانی که نشانگر پراکندگی اقتدار است بر دو نوع است: نوع نخست^۱، ترتیبات حکمرانی با هدف کلی و تعداد محدودی از مرزهای غیرهمپوشان صلاحیتی. چنین ترتیبات حکمرانی از معماری نسبتاً پایدار در سراسر سیستم پیروی می‌کند. این نوع از حکمرانی ایدئال، سیستم یا سیاست‌های فدرال را شامل می‌شود اما ممکن است محدود به آن نباشد. در مقابل، نوع دوم^۲، مجموعه‌ای پیچیده و سیال از حوزه‌های صلاحیتی بی‌شمار، همپوشان و از نظر عملکرد، تخصصی و خاص را توصیف می‌کند. این ساختار حکمرانی وظیفه‌ای خاص دارد و بنابراین نهادینه شده و ثابت و پایدار نیست (Enderlein et al, 2010: 4). با توجه به اهمیت نوع دوم حکمرانی چندسطحی، مباحث این مقاله حول محور آن می‌چرخد. مهم‌ترین ویژگی‌های نوع دوم حکمرانی چندسطحی عبارت‌اند از:

الف) صلاحیت‌های کارکردی خاص^۳: در نوع دوم حکمرانی چندسطحی، صلاحیت‌ها متعدد، مستقل و از لحاظ کارکردها متمایز و خاص هستند. در این نظام حکمرانی، شهروندان خدمات را فقط از دولت دریافت نمی‌کنند بلکه از صنایع خدماتی عمومی مختلف مانند صنعت پلیس، صنعت آتش‌نشانی، صنایع بهداشتی، صنعت حمل‌ونقل و ... دریافت می‌کنند (Hooghe and Marks, 2001:6).

ب. صلاحیت همپوشان قلمروی^۴: «امروزه صلاحیت‌ها حدود مرز خود را رها کرده و حوزه‌های صلاحیتی تا حدودی همپوشان شده و صلاحیت‌های سلسله‌مراتبی دولت - ملت، هیچ منطق اقتصادی آشکاری ندارند.» فری و ایشنبرگر^۵ از اصطلاح FOCJ^۶ (صلاحیت‌های کاربردی، همپوشان و رقابتی) برای توضیح ماهیت این نوع حکمرانی استفاده می‌کنند. همچنین استرم و همکاران^۷ از واژه «چند محوری»^۸ برای شرح همزیستی مراکز متعدد تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند که به‌طور رسمی از یکدیگر مستقل هستند (Cited in Hooghe and Marks, 2001:7).

تعداد زیاد حوزه‌های صلاحیتی: هر اقدام جمعی گروهی از شهروندان برای

1. Type I
2. Type II
3. Task-Specific Jurisdiction
4. Territorial Overlapping Jurisdiction
5. Bruno Frey and Reiner Eichenberger
6. Functional, Overlapping and Competing Jurisdictions
7. Vincent Ostrom and his collaborators
8. polycentric

مسئله‌ای می‌تواند سبب ایجاد صلاحیت جدیدی شود؛ بنابراین تعداد حوزه‌های صلاحیت بسیار زیاد است.

سطوح صلاحیتی متعدد: به‌جای تصور اقتدار در لایه‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، هر کالا یا خدمات عمومی باید توسط صلاحیتی عرضه شود که به‌طور مؤثر مزایا و منافع آن را درونی می‌کند. مقیاس‌ها، سطوح یا طبقات منظم ناپدید می‌شوند. آن‌ها در هم ادغام می‌شوند و هیچ بالا یا پایین، یا پایین‌تر و بالاتری وجود ندارد و هیچ طبقه بازیگر غالب وجود ندارد. بلکه طیف گسترده‌ای از بازیگران دولتی و خصوصی در ائتلاف‌های در حال تغییر، رقابت و همکاری می‌کنند. عدم تمایز واضح مسائل داخلی و خارجی و ملی و فراملی باعث سطوح مختلف صلاحیتی برای موضوعات مختلف شده است (Hooghe and Marks, 2001: 6-8).

نظام صلاحیتی منعطف: صلاحیت‌های نوع دوم برای پاسخگویی به ترجیحات متغیر شهروندان و الزامات کارکردی، به انعطاف بیشتر از ثبات تمایل دارند. در این نوع، واحدهای منعطف هرگاه لازم باشد به وجود می‌آیند و در صورت عدم نیاز تداوم نمی‌یابند و شامل خودمختاری پراکنده گروه‌های داوطلب در کنش جمعی در عرصه‌های ناهمگون است (Hooghe and Marks, 2001: 6-8).

همان‌گونه که در نمودار فوق نشان داده شده است، حکمرانی چندسطحی در سطح نهادهای متداخل فراملی، حکومت-ملت، شبکه‌های فراملیتی، دولت‌های فرو ملی، جامعه مدنی و مشارکت مبتنی بر مکان قابل اجراست. در فرازهای بعدی مقاله به نمونه‌هایی از حضور هر یک از سطوح فوق در عرصه تنوع زبانی اشاره خواهد شد. اگرچه به نظر می‌رسد به کارگیری این نوع حکمرانی در عرصه تنوع زبانی در ایران و حصول پیامدهای مطلوب، نیازمند تسهیل چالش‌ها و انطباق با شرایط محیطی، کارآمدسازی ساختاری و مدیریتی، ظرفیت‌شناسی سیستمی، مداخلات راهبردی سازنده و بهینه‌سازی سازوکارها در جهت حفظ تنوع زبانی در کشور باشد.

۶. یافته‌های پژوهش

۱-۶. گسترش شهرنشینی

مهاجرت از مناطق روستایی به شهری عامل گسترش و تثبیت شهرنشینی به شکل امروزی آن در جهان است. اگر فرهنگ را شیوه زندگی تعریف کنیم در این صورت شهرنشینی و رشد چشمگیر شهرها مهم‌ترین دگرگونی فرهنگی قرن حاضر خواهد بود

(World Commission on Culture and Development, 1995: 216). با نگاهی تاریخی، صنعتی شدن جوامع و نیاز به نیروی کار ارزان، مهاجرت روستاییان به شهرها را باعث شده است. از آنجاکه در کشورهای درحال توسعه، درآمد هر فرد شهری شاغل ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بالاتر از درآمد روستائیان است، حرکت نیروی کار از مناطق روستایی کم بازده به بخش های صنعتی و خدماتی شهری دارای درآمد بهتر را افزایش داده است (اوبرای، ۱۳۷۰: ۸۲-۷۶؛ شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۰۴). از منظر سازمان بین المللی مهاجرت^۱ «شهرنشینی اغلب بر اساس جمعیت تعریف می شود و افزایش سهم جمعیتی که در نواحی شهری زندگی می کنند. این افزایش ناشی از سه عامل رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت خالص از روستا به شهر و گسترش مرزهای شهری و ایجاد مراکز شهری جدید است» (IOM, 2105:19).

شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در نقاط شهری نیست، بلکه فرایندی پویاست که طی آن، شاهد نوعی جابجایی و حرکت هستیم که حداقل دربردارنده دو نوع حرکت و تغییر است: یکی، حرکت و انتقال جمعیت از مناطق روستایی به شهری همراه با تغییر در کارکردها به ویژه کارکرد اقتصادی؛ و دیگری، تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری (ازکیا، غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴). اگرچه پیشینه شهر و شهرنشینی به حدود ۵-۷ هزار سال پیش از میلاد می رسد، اما معنای جدید شهرنشینی و توسعه فزاینده آن متعلق به سده کنونی است. به رغم سابقه نسبتاً طولانی شهرنشینی، تحولات آن تا قرن ۱۹ م. چشمگیر نبود و تا سال ۱۹۰۰ از هر ۸ نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می کرد؛ اما در پایان قرن بیستم حدود نیمی از جمعیت جهان شهرنشین شده اند و دوسوم از جمعیت ۳ میلیارد نفری شهرنشین در جهان سوم زندگی می کنند (نقدی، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۷). مسئله مهم در جهان امروز رشد لجام گسیخته و بسیار سریع شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته است. به عنوان مثال، کشور امریکا حدود سه قرن طول کشید تا از جامعه ای روستایی به شهری تبدیل شود. درحالی که در ایران این فاصله زمانی حدود ۵۰ سال بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

جدول ۰۱. درصد رشد شهرنشینی در جهان ۱۹۵۰-۲۰۵۰

| سال | ۱۹۵۰ | ۱۹۷۰ | ۲۰۱۱ | ۲۰۳۰ | ۲۰۵۰ |
|-------------------|------|------|------|------|------|
| جهان | ۲۹/۴ | ۳۶/۶ | ۵۲/۱ | ۵۹/۹ | ۶۷/۲ |
| مناطق توسعه یافته | ۵۴/۴ | ۶۶/۶ | ۷۷/۷ | ۸۲/۱ | ۸۵/۹ |
| مناطق درحال توسعه | ۱۷/۶ | ۲۵/۳ | ۴۶/۵ | ۵۵/۸ | ۶۴/۱ |

(DESA, 2012)

1. International Organization for Migration(IOM)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان شهرنشینی در ایران طی ۵۰ سال از ۳۱/۶۷ در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۴۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. هر چند در سال ۱۳۵۹ حجم جمعیت مناطق شهری و روستایی برابر بود لیکن بعد از این سال به تناوب از جمعیت نقاط روستایی کم و به جمعیت شهری اضافه شد. به طوری که در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهری به ۶۱/۳ و در سال ۱۳۸۵ به ۶۸/۴۶ درصد رسید (ساعی ارسی، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۶). طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ تعداد شهرهای ایران از ۶۱۴ شهر به ۱۰۱۸ شهر افزایش یافت یعنی، طی ۱۰ سال، ۴۰۴ نقطه شهری جدید و هر سال حدود ۴۰ شهر و به عبارت بهتر هر ۹ روز یک شهر در ایران به وجود آمد که فرایندی غیرطبیعی است و تنها به وسیله دولت و اراده آن امکان‌پذیر است (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرنشین ایران از مرز دوسوم کل جمعیت کشور فراتر رفته و به ۷۴ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود این روند صعودی در سال ۱۴۳۰ به حدود ۸۵ درصد برسد (فتحی، ۱۳۹۴: ۸).

۲-۶. پیامدهای شهرنشینی: نابودی تنوع زبانی

شهرنشینی با دو نوع تغییر همراه است: نخست، تغییرات جمعیتی که عینی، ملموس و قابل‌سنجش است و بیشتر موضوع مطالعه جمعیت‌شناسان است و دوم، تغییر در شیوه زندگی و نظام ارزشی که نیازمند تحلیل جامعه‌شناختی است (ازکیا، غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴). در فرایند رشد شتابان شهرنشینی، شهرها به‌منزله «مکان تراکم فرهنگی» (ربانی و وحید، ۱۳۸۱: ۲۷) با افزایش ارتباطات و کنش‌های فرهنگی میان افراد و گروه‌های انسانی، دچار تغییر و تحول می‌شوند. در چنین فرایندی، زبان، این مهم‌ترین ابزار ارتباطی از تغییرات مصون نمی‌ماند و دستخوش دگرگونی تدریجی ولیکن عمیق و گسترده می‌شود که ابعاد آن طی چند نسل ظهور و بروز می‌یابد. مهاجرت و شهرنشینی از پدیده‌های اجتماعی است که به همراه خود پیامدهای زبانی متفاوتی را در پی دارد. گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر در نقاط مختلف جهان و ایران، تأثیرات منفی زیادی بر تنوع زبان‌ها گذاشته و باعث همگونی زبانی بیشتری در دنیا شده است. شهرنشینی از طریق تغییر «نگرش زبانی»^۱ گویشوران یک‌زبان، نگاه آن‌ها را نسبت به زبان برتر و غالب مثبت و نسبت به زبان بومی منفی می‌کند و بدین طریق، آن‌ها را به سوی استفاده یا عدم استفاده از یک‌زبان سوق می‌دهد (صباغیان، علومی، ۱۴۰۰: ۷۶۷). مفهوم نگرش‌های زبانی ریشه در نظریه کلی «نگرش» دارد و «تمایل مثبت یا منفی نسبت به یک شیء، فرد، نهاد یا رویداد» تعریف

می‌شود. هر نگرش متشکل از سه جزء احساس، شناخت و رفتار است. بر این اساس، نگرش زبانی چنین تعریف می‌شود: «هر شاخص احساسی، شناختی یا رفتاری در واکنش نسبت به گونه‌های مختلف زبان و سخنگویان آن» (به نقل از داوری اردکانی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۱۳۶). این نگرش‌ها هستند که به انگیزه‌ها شکل می‌دهند و متقابلاً انگیزه‌ها نیز بر نگرش‌ها تأثیرگذارند. نگرش «مکانیسم پنهانی» است که رفتار را هدایت می‌کند. نگرش خودپاسخ‌های آشکار نیست، بلکه متغیری مداخله‌گر است که بین محرک و پاسخ عمل می‌کند (نقل از داوری اردکانی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

تغییر زبان، نتیجه انتخاب جمعی و بلندمدت‌گوشوران آن است و این انتخاب از ابتدا تحت تأثیر نگرش‌های زبانی گوشوران است. مجموعه‌ای از عوامل برون زبانی مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در شکل دادن به نگرش‌های زبانی و انتخاب و کاربرد زبان دخالت دارند. این انتخاب در نهایت به حفظ یا تغییر زبان منجر می‌شود. پس «تغییر نگرش‌ها مقدمه و لازمه تغییر زبان است.» پیامد نگاه منفی نسبت به زبان محلی، افزایش کاربرد و آموزش زبان قدرتمند و معتبر است. از سوی دیگر، کاربرد هر چه بیشتر زبان معتبر نگرش منفی نسبت به زبان بومی را افزایش می‌دهد (بشیرنژاد، ۱۳۹۰: ۵۳). شهرنشینی عامل مؤثری در تقویت زبان معتبر و قدرتمندتر و به حاشیه راندن زبان‌های محلی و در نتیجه تغییر زبان است. بدین معنی که افراد ساکن در مناطق شهری بیش از روستاییان تمایل به استفاده از زبان معتبرتر و انتقال آن به‌عنوان زبان اول به فرزندان خود دارند. برای مثال، طبق پژوهش انجام شده در استان مازندران شهرنشینان بیشتر از روستاییان تمایل به استفاده از زبان فارسی دارند و بیش از دو برابر روستاییان، فارسی را به‌عنوان زبان اول (به جای زبان مازندرانی) به نسل بعدی خود منتقل کرده‌اند (بشیرنژاد، ۱۳۹۷: ۱۴۰). همچنین، تحقیق دیگری درباره هویت زبانی مهاجرین لک ساکن تهران نشان می‌دهد که علاقه نسل اول مهاجران به زبان لکی در نسل‌های بعد کمتر مشاهده می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهشی دیگر در مورد فرسایش زبان کردی کله‌ری در میان ایلامی‌های ساکن ایلام و ایلامی‌های ساکن تهران نشان می‌دهد که میزان توانایی زبانی مهاجران ساکن تهران کمتر از کردزبان‌های ساکن ایلام است. همچنین بیشترین فرسایش زبانی در زمینه واژگان در میان گروه سنی زیر ۲۰ سال یعنی نسل دوم یا سوم مهاجران است که نشان از افول زبانی در میان آنان دارد (فراستی و همکاران، ۱۳۹۸).

به طور کلی مهاجرت و شهرنشینی و پیامدهای آن به دو صورت بر زبان‌ها تأثیر

می‌گذارد: نخست از طریق تطبیق‌پذیری و همانند شدن مهاجران با جامعه میزبان؛ و دوم، غرق شدن جمعیت میزبان در جمعیت مهاجر. البته این دو گونه تأثیرگذاری بستر تغییر نگرش زبانی گویشوران زبان اتفاق می‌افتد که در هر صورت، پیامد آن کاهش تنوع زبانی است (صباغیان، علمی، ۱۴۰۰: ۷۶۳-۷۸۸).

۳-۶. تنوع زبانی و جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رکن اساسی قوانین کشور که ساختار اداری اجرایی کشور بر اساس آن شکل گرفته است، در اصل پانزدهم درعین‌حال که زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران را فارسی می‌داند که اسناد و مکاتبات و کتب درسی باید به این زبان باشد، لیکن استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی را آزاد اعلام می‌کند. در واقع، در این اصل ضمن تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و مشترک، تنوع زبانی موجود در کشور را به رسمیت می‌شناسد. بررسی اصل ۱۵ قانون اساسی نشان می‌دهد که «بخش مهم اصل ۱۵ که به زبان فارسی اختصاص دارد... در قامت حکم است و نه حق؛ از این‌رو بخش آخر اصل که به زبان‌های محلی و قومی اشاره دارد به نظر می‌رسد از منظر حق نباید مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا اگر از نظر قانون‌گذار حق به شمار می‌رفت باید در فصل سوم قانون اساسی نیز حداقل بدان اشاره می‌شد. با این توضیح به نظر می‌رسد «مسئله استفاده از زبان محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس آن‌ها در مدارس» یک آزادی است نه حق و البته نه اصل» (هوشنگی، ۱۳۹۹: ۱۱).

این نگاه به زبان‌های بومی محلی کشور در اسناد فرهنگی کشور نیز منعکس شده است. اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی هدف آن را «حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران» و از وظایف آن «حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی» و «رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور» می‌داند. در بند ۷ ماده ۲ با زبانی مبهم «بهره‌برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران) به‌منظور تقویت و تجهیز این زبان [فارسی] و غنی ساختن و گستردن دامنه کارکرد آن» را مطرح می‌سازد. در «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» در عین اینکه در ماده ۱۸ فصل دوم «تنوع و تفاوت‌های فرهنگی اقوام ایرانی» را «امری طبیعی و پذیرفته شده» می‌داند اما در متن این سند هیچ اشاره‌ای به زبان‌های بومی محلی ندارد و هدف را ارتقاء و گسترش

خط، زبان و ادب فارسی بیان می‌کند. سند ملی حقوق کودک^۱ که ماده ۴ آن با عنوان «حق هویت» است در بند ۵ آن به حق کودک و نوجوان برای آشنایی و حفظ هویت اسلامی و ایرانی از جمله زبان و خط فارسی اشاره می‌کند و در بند ۶ می‌گوید: «کودک و نوجوان در استفاده از زبان، گویش، پوشش و اجرای آداب و سنت‌های قومی و محلی با رعایت موازین اسلامی، قوانین و انسجام ملی آزاد است». بر اساس این نگاه قانون اساسی است که ادارات حقوقی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و همچنین فرهنگ و ارشاد اسلامی که می‌توان هر دو را به نوعی دست‌اندرکار امر آموزش زبان در کشور دانست، در پاسخ به هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، الزام و تکلیفی را برای دولت از اصل ۱۵ قانون اساسی در مورد تنوع زبانی استنباط نمی‌کنند و اصل را بر آزادی تدریس ادبیات قومی محلی می‌دانند که دولت نباید مانع از انجام آن شود (مهرپور، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۳). همچنین پاسخ شورای نگهبان قانون اساسی به سؤال وزیر وقت آموزش و پرورش در مورد قرار گرفتن درس ادبیات قومی و محلی در دروس رسمی مدارس بر غیررسمی بودن آن تأکید دارد و اصل ۱۵ قانون اساسی را حاوی تکلیف برای نهادهای کشور به‌ویژه آموزش و پرورش برای برنامه‌ریزی جهت آموزش رسمی این زبان‌ها ندانسته است (به نقل از هوشنگی، ۱۳۹۹: ۱۲).

از این رو به نظر می‌رسد اسناد بالادستی حوزه فرهنگ نیز هیچ وظیفه‌ای را برای نهادهای دولتی در ترویج تنوع زبانی قائل نیستند و بر این اساس هیچ نهادی در کشور مسئولیت مستقیم در این زمینه ندارد. در اسناد توسعه‌ای کشور نیز الزامی به این مسئله وجود ندارد به‌نحوی که در ماده ۱۹ بند ج برنامه پنجم توسعه آمده است: «آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل ۱۵ قانون اساسی گویش محلی و ادبیات محلی را در مدارس تقویت نماید» (م. ۱۹، قانون پنجم توسعه). با این تفسیر و با تأکید بر عدم تکلیف دولت و نبود نهادی مسئول در زمینه احیاء و حفظ تنوع زبانی در کشور به‌خصوص عدم تکلیف و الزام آموزش و پرورش در حمایت از تنوع زبانی، نقش سازمان‌های غیردولتی بسیار اهمیت می‌یابد تا از آزادی داده شده در قانون اساسی، استفاده نموده و در خدمت تنوع زبانی کشور باشند.

۴-۶. جامعه مدنی و حفظ تنوع زبانی

جامعه مدنی دربردارنده مجموعه‌ای از حوزه‌های عمومی خودمختار است که در آن نهادهای مدنی با مشارکت عموم مردم به امور خود سامان داده و منافع خود را دنبال می‌کنند. جامعه مدنی از پایه‌های اساسی دموکراسی است و وقتی قوام می‌یابد که

علاوه بر استقلال از قدرت سیاسی بر نهادهای حکومتی نیز اعمال قدرت نماید (بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲). جامعه مدنی در ایران از نیمه دوم حکومت صفویه با حضور علمای شیعه و بازاریان به وجود آمد و انقلاب مشروطه را می‌توان عامل گسترش جامعه مدنی در ایران دانست اما حکومت پهلوی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باعث دوره‌ای دیگر از استبداد و محدود شدن جامعه مدنی شد. پیروزی انقلاب اسلامی باعث گسترش جامعه مدنی شد اما منازعات داخلی و جنگ تحمیلی فضای سیاسی جامعه را رو به انسداد برد. پایان جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی امید به گسترش جامعه مدنی را افزایش داد. با این حال مفهوم جامعه مدنی به شکل امروزی آن نخستین بار توسط سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ مطرح شد و امروزه حوزه فعالیت این سازمان‌ها و میزان آن‌ها به شدت افزایش یافته است (بنایی بابازاده، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۴). با توجه به تهدید زبان‌های بومی محلی بر اثر تحولات جهانی شدن (علمی، ۱۳۹۵) امروزه حمایت از فرهنگ و زبان‌های بومی یکی از حوزه‌های تخصصی است که مؤسسات غیردولتی فعالیت خود را جهت احیاء و حفظ آن‌ها آغاز کرده‌اند که در ذیل به بررسی فعالیت دو مؤسسه می‌پردازیم.

۱-۴-۶. خانه فرهنگ گیلان

سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۳۷۹ در رشت تأسیس شد و در حوزه‌های مختلف فرهنگی فعالیت دارد. آنچه در کارنامه دو دهه فعالیت این مؤسسه جلب توجه می‌کند تلاش آن در زمینه حفظ فرهنگ و زبان بومی گیلان است که می‌توان به برگزاری کارگاه نقد و بررسی شعر گیلکی از سال ۱۳۸۰ اشاره کرد که ماهی دو بار برگزار می‌شود و تاکنون بیش از ۵۲۰ جلسه برگزار شده است. همچنین کارگاه ماهانه نقد و بررسی داستان گیلکی که از سال ۱۳۸۵ آغاز شده و تاکنون بیش از ۲۰۰ جلسه از این کارگاه برگزار شده است. برگزاری ۴۰ جلسه کارگاه آیین نگارش زبان گیلکی از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ یکی دیگر از برنامه‌های این مؤسسه بوده است. انتشار دو کتاب شعر گیلکی «برازه» و «تی تی» و برگزاری سه همایش درباره زبان گیلکی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ از دیگر فعالیت‌های این مؤسسه در حوزه حمایت از زبان گیلکی در دو دهه فعالیت بوده است (خانه فرهنگ گیلان، ۱۴۰۲).

۲-۴-۶. مؤسسه سَمَن بویان سمنان

این مؤسسه که در سال ۱۳۹۰ در سمنان تأسیس شد، هدفش ارتقاء فرهنگی جامعه و حمایت از محققان و نویسندگان است. با این حال آنچه در فعالیت این مؤسسه

برجسته است، توجه به فرهنگ بومی محلی به خصوص زبان سمنانی و حمایت از آثار نویسندگان و شعرای سمنانی است به نحوی که طی ۱۲ سال از تأسیس تاکنون ۷۴ عنوان کتاب درباره و یا به زبان سمنانی با حمایت این مؤسسه منتشر شده است که ۱۴ عنوان از اینها مربوط به شعر و داستان کودکان است. برگزاری ۱۵ نشست در زمینه رسم الخط زبان سمنانی، طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱، برگزاری ۱۶ نشست نقد و بررسی کتاب‌های زبان سمنانی طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱، برگزاری دو کنسرت موسیقی به زبان سمنانی در سال ۱۳۹۰ از برنامه‌های برگزار شده توسط این مؤسسه است. شاید عمیق‌ترین و مؤثرترین فعالیت این مؤسسه را همکاری با آموزش و پرورش سمنان و انتشار کتاب برای کودکان پیش‌دبستانی و همچنین برای دانش‌آموزان پایه اول تا ششم ابتدایی جهت آشنایی با زبان و ادبیات سمنانی دانست که اقدامی تأثیرگذار برای حفظ زبان سمنانی در میان کودکان به‌عنوان گویشوران آتی زبان سمنانی است (سمن بویان، ۱۴۰۲). همه این موارد نشانگر فعالیت بی‌نظیر این مؤسسه در زمینه حفظ زبان سمنانی است.

۵-۶. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی^۱ و تنوع زبانی

یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش جامعه مدنی جهانی و اهمیت یافتن و توانمند شدن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است که عامل تحولات مهمی در عرصه بین‌المللی به خصوص در ارتباط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بوده‌اند. جامعه مدنی جهانی از دهه ۱۹۶۰ ویژگی فوق‌سرزمینی یافته است. بر اساس شواهد، لستر سالامون از «انقلاب جهانی اتحادیه‌ها» سخن می‌گوید «که شاید به اندازه سربرآوردن دولت ملی در نیمه دوم سده نوزدهم، برای نیمه دوم سده بیستم اهمیت داشته باشد» (نقل از شولت، ۱۳۸۹: ۳۹۶). سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بخشی از شبکه‌های فرامرزی هواداری هستند که دسترسی و حضور شهروندان را در عرصه نظام بین‌المللی افزایش داده و در روندهای سیاست داخلی و بین‌المللی تأثیرگذار هستند. این شبکه‌ها مرزهای موجود میان سیاست داخلی و بین‌المللی را مبهم ساخته و رویه‌های حاکمیت ملی و دولت‌محوری را در سیاست جهان به چالش کشیده‌اند (کک، سیکینک، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۲۰). در تعریف، این سازمان‌ها را دارای اعضای داوطلب از یک یا چند جامعه می‌دانند که بر اساس علائق‌شان و بر اساس وابستگی حرفه‌ای، مذهبی، فرهنگی و... اعضایشان فعالیت می‌کنند (Dichter, 1999: 38).

حوزه و گستره سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی به طرز چشمگیری در دهه‌های اخیر افزایش

یافته است. بر اساس آمار موجود تعداد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سال ۱۹۰۹ فقط ۱۷۶ بود (Held et al, 1999: 53) که در سال ۱۹۳۰ به ۳۷۵، در ۱۹۴۰ به ۴۲۷ و در ۱۹۵۰ به ۷۵۵ و در ۱۹۶۰ به ۱۳۲۱ که این میزان در سال ۱۹۷۰ به ۲۲۹۶ افزایش یافت که نشانگر افزایش پنج برابری در ظرف سی سال است (Iriye, 1999: 426, 428). آمارها نشانگر ۶۰۰۰ سازمان غیردولتی بین‌المللی در ۱۹۹۰ است که به بیش از ۲۵۰۰۰ سازمان در ۲۰۰۲ افزایش یافته است (Choudhary, 2004: 2).

افزایش تعداد و تنوع بازیگران غیردولتی ناشی از عوامل مختلفی است که می‌توان تضعیف دولت‌ها را مهم‌ترین عامل آن دانست. بازیگران غیردولتی مشروعیت خود را مدیون ناکارآمدی دولت به‌عنوان بازیگر انحصاری هستند. این ناکارآمدی در حوزه‌هایی نظیر بهداشت و توسعه به‌مراتب مشهودتر بوده است. از سوی دیگر گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و شبکه‌های اطلاع‌رسانی ناشی از آن، جهان و محل را به هم پیوند داده و آگاهی نسبت به این نارسایی‌ها را افزایش داده است (قوام، ۱۳۸۲: ۹۹-۱۰۲). به‌نحوی که اکنون گروه‌های کوچک از نظر مالی و ساختاری می‌توانند با افراد و گروه‌های دورتر از خود در نقاط مختلف جهان ارتباط برقرار کرده و با هم همکاری داشته باشند. از این‌رو فراملی عمل کردن برای سازمان‌های غیردولتی به‌واسطه ارتباطات بسیار آسان شده است (ویلتنز، ۱۳۸۳: ۸۳۵). پایان جنگ سرد و رها شدن دولت‌ها از ایدئولوژی و حساسیت‌های آن دوران نیز عامل دیگری است که فضای تنفسی را برای سازمان‌های غیردولتی فراهم کرده و باعث افزایش تعداد و تنوع آن‌ها در عرصه بین‌المللی شده است (قوام، ۱۳۸۲: ۹۹).

سازمان‌های غیردولتی به‌طور بین‌المللی در چند سطح عمل می‌کنند. کار در زمینه موضوعات ملی با فعالیت مشترک با دیگر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، با کار کردن با سازمان‌های غیردولتی و شاخه‌های ملی آن‌ها، از طریق شعبه‌های منطقه‌ای و از طریق شبکه افراد، سازمان‌ها و دولت‌های هوادار، به فعالیت خود مشروعیت یا وجهه بین‌المللی می‌دهند و از طریق فعالیت‌های هماهنگ، روابط سیاسی بین دولت‌ها را تحت نفوذ قرار می‌دهند. آن‌ها قادر به جمع‌آوری و انتشار اطلاعات و استفاده از رسانه‌های جمعی برای بالا بردن آگاهی مردم در موضوعات مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی هستند. این سازمان‌ها با برپایی پویش‌ها و شرکت در کنفرانس‌های مهم بین‌المللی با هدف تغییر دستورکارهای جهانی تلاش می‌کنند (Choudhary, 2004: 15). اهمیت این سازمان‌ها به‌گونه‌ای است که دارای مقام مشورتی در سازمان ملل هستند و نفوذ آن‌ها در طول زمان

در این سازمان نیز افزایش یافته به نحوی که از ۴۰ سازمان غیردولتی در سال ۱۹۴۸ به ۳۳۴۵ سازمان در سال (UN NGOs, 1948-2010) و در سال ۲۰۲۲ به ۶۳۴۳ رسیده است (UN, 2022).

تحولات صورت گرفته در عرصه بین‌الملل و فعال شدن سازمان‌های غیردولتی در این گستره، نشان از تحول نقش، اقتدار و کار ویژه دولت به‌وسیله جهانی شدن دارد. تغییرات صورت گرفته باعث شده که قدرت سیاسی در بالا، پایین و در کنار دولت پراکنده شود. حکمرانی ایدئال و استفالی به‌وسیله دولت شبکه‌ای یا بازتابی^۱ متحول شده است. این دولت در پی بازسازی قدرت خود در پیوند با دستگاه‌های محلی، فراملی، منطقه‌ای و جهانی است. در این بستر سخن گفتن از تحول یا پیکربندی دوباره قدرت دولت بیشتر مفهوم دارد تا افول آن (Mc Grew, 2000: 163-164).

در زمینه حمایت از تنوع زبانی نیز سازمان‌های غیردولتی فعالیت‌های خود را چه به‌طور مستقل و چه با کمک یونسکو به انجام رسانده‌اند که یکی از آن‌ها باشگاه بین‌المللی قلم^۲ است. این باشگاه، سازمانی غیردولتی است که ۱۹۲۱ در لندن ایجاد شد که طیف وسیعی از فرهنگ‌ها و زبان‌ها را دربر می‌گیرد و دارای ۱۴۷ مرکز در بیش از ۱۰۰ کشور جهان است و دارای مقام مشورتی در سازمان ملل و یونسکو است. این انجمن از ۲۰۱۵ جهت حمایت از حقوق زبانی و ترجمه در سطح محلی، ملی و بین‌المللی فعالیت خود را باهدف و شعار «همه جوامع زبانی محترم هستند و به رسمیت شناخته می‌شوند تا احساس کنند ارتباط دارند و می‌توانند رشد کنند» آغاز کرد. از جمله فعالیت‌های آن را می‌توان حمایت از زبان‌های بومی و محلی در نقاط مختلف جهان، همکاری با سازمان‌های مرتبط در زمینه حقوق زبانی از جمله یونسکو، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های زبانی، انجام پروژه‌های گوناگون جهت ترغیب معلمان به ادبیات و زبان محلی برشمرد. (Pen, 2023) (Pen Report, 2015-2019: 31-34), این سازمان غیردولتی با توجه به نفوذی که کسب کرده است در حال حاضر از حمایت آژانس همکاری توسعه بین‌المللی سوئد، وزارت خارجه نروژ، صندوق دموکراسی ملل متحد برخوردار است (Pen, 2023).

نمونه دیگر از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی تصویب اعلامیه جهانی حقوق زبانی^۳ است که توسط سازمان‌های غیردولتی مطرح و تصویب شد. این اعلامیه با

حضور ۶۱ سازمان غیردولتی ۴۱ باشگاه قلم و بیش از ۴۰ متخصص حقوق زبانی از نقاط مختلف جهان از ششم تا نهم ژوئن ۱۹۹۶ در بارسلونا با ابتکار عمل گروه حقوق زبانی و ترجمه باشگاه بین‌المللی قلم و مرکز بین‌المللی اسکارا^۱ برای اقلیت‌ها و ملل قومی و با حمایت‌های معنوی و فنی یونسکو تصویب شد و کمیته‌ای نیز جهت پیگیری تصویب آن در یونسکو تشکیل شد. بدین ترتیب حوزه مشورتی سازمان‌های غیردولتی متنی را به یونسکو پیشنهاد داد که می‌تواند نقطه آغاز کار کارشناسان دولتی باشد و البته همه این کارها با همکاری مشترک با یونسکو و بر اساس پروژه لینگوآپاکس^۲ اجرایی شد (Udlr, 1998:11,15). لینگوآپاکس^۲ یک پروژه آموزشی است که به وسیله یونسکو در ۱۹۸۷ ایجاد شد و از سال ۲۰۰۱ در بارسلونا با توجه به تحولات ساختاری و سیاسی در یونسکو به عنوان یک سازمان مستقل به مقام مشورتی ارتقاء یافت که مأموریت آن تشویق و ابداع راه‌هایی جهت تنوع زبانی در دنیا است. در سال ۲۰۰۶ شبکه بین‌المللی لینگوآپاکس^۳ در همه قاره‌ها ایجاد شد. جایزه بین‌المللی لینگوآپاکس^۴ که به طور سالانه از سال ۲۰۰۲ با هدف حفظ تنوع زبانی، احیاء و فعال‌سازی جوامع زبانی و ارتقاء چندزبانی در دنیا در روز ۲۱ فوریه همزمان با روز جهانی زبان مادری به فعالان دانشگاهی یا جوامع مدنی که در این حوزه فعالیت‌های شایانی انجام داده باشند اهداء می‌شود. از فعالیت‌های آن به انتشار کتب، برگزاری کنفرانس‌ها و سمپوزیوم‌های بین‌المللی، انتشار سالنامه حاوی مقالات علمی^۵ در زمینه حمایت از تنوع زبانی از ۲۰۱۰ می‌توان اشاره کرد (Linguapax, 2023 & Jalt, 2023).

۶-۶. سازمان‌های دولتی بین‌المللی و تنوع زبانی

از میان سازمان‌های دولتی بین‌المللی، یونسکو^۶ مهم‌ترین سازمان فرهنگی دولتی بین‌المللی است که از ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ با هدف کمک به صلح و امنیت بین‌المللی از طریق ترویج تشریک‌مسابی میان ملل در امور تعلیم و تربیت، علوم و فرهنگ فعالیت خود را آغاز کرد. در واقع، رسالت اصلی یونسکو ارتقاء صلح از طریق آموزش، علم و فرهنگ است. اقدامات این سازمان در حوزه فرهنگ در طول زمان تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است به نحوی که با حمایت از آثار هنری و انتشار شاهکارهای ادبی جهان

1. Escarre International Centre for the Ethnic Minorities and Nations

2. Linguapax

3. International Linguapax Network

4. International Linguapax Award

5. Linguapax Review

6. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

شروع و توجه یونسکو به ابعاد فرهنگی توسعه، حفظ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، هویت فرهنگی و با توجه به جهانی شدن و خطر از بین رفتن تنوع زبانی و فرهنگی به حمایت از تنوع فرهنگی و زبانی معطوف شده است. اعلام سال «۲۰۰۸ به عنوان سال بین‌المللی زبان‌ها»^۱ توسط سازمان ملل را می‌توان ناشی از تلاش یونسکو از طریق این سازمان مهم بین‌المللی جهت توجه دادن همه جهانیان به مسئله مهم زبان‌ها و وضعیت بغرنج آن‌ها دانست (UN, 2007). فعالیت‌های یونسکو در حوزه هنجارسازی یعنی تدوین کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و توصیه‌نامه‌ها نشان می‌دهد که با تلاش این سازمان از ابتدای تأسیس ۱۷ سند هنجارساز بین‌المللی جهت ارتقاء تنوع زبانی و فرهنگی تدوین شده است که مهم‌ترین آن کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی (۲۰۰۵) است (علوم، ۱۳۹۵). فعالیت یونسکو در مورد تنوع زبانی شکل‌های گوناگونی چون: ظرفیت‌سازی، پژوهش و تحلیل، آگاه‌سازی، حمایت از پروژه‌ها و اشاعه اطلاعات در ۵ حوزه آموزش، علم، علوم انسانی و علوم اجتماعی، اطلاعات و ارتباطات و فرهنگ را شامل می‌شود (Unesco, 2008: 4). اطلس زبان‌های در معرض خطر^۲ یکی دیگر از برنامه‌های یونسکو در زمینه حمایت از تنوع زبانی است که نخستین ویرایش آن در سال ۱۹۹۶ منتشر شد که هدف از آن ارائه هشدار و آگاهی بخشی درباره ۶۰۰ زبان در خطر انقراض جهان بود و ویرایش دوم آن ۹۰۰ زبان را شامل می‌شد و ویرایش سوم آن در مورد ۲۵۰۰ زبان در معرض خطر جهان است و نسخه آنلاین آن نیز از ۲۰۰۹ در اینترنت موجود است. این اطلس که با کمک دانشمندان کشورهای مختلف جهان به نگارش در آمده است نشانگر وضعیت زبان‌های در معرض خطر یا در حال انقراض در جهان است و به گونه‌ای هشدارآمیز برای جهانیان وضعیت زبان‌های دنیا را رصد می‌کند (Atlas of Unesco, 2010: 4-5). یونسکو از دسامبر ۲۰۲۱ تعداد ۲۷۴۷ پروژه، در ۱۷۷ کشور و در ۲۳ بخش به میزان ۹۰۵/۶۶۰/۳۴۷ دلار هزینه کرده است (Unesco Transparency, 2021) که ۲۹۳/۷۰۳/۸۰۸ دلار در بخش آموزش، ۴۶/۴۳۹/۴۶۰ دلار در بخش ارتباطات بوده که در همه این موارد طرح‌های مرتبط با تنوع زبانی نیز به چشم می‌خورد (Unesco Transparency, 2021a).

نتیجه‌گیری

امروزه عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی از یک‌سو شاهد ظهور سازمان‌های غیردولتی است و از سوی دیگر پیچیده و گسترده شدن موضوعات و مسائل مربوط به حکمرانی و توان ناکافی حکومت‌ها در مواجهه و حل این مسائل، استفاده از پتانسیل این سازمان‌ها را ضروری ساخته است. از این‌رو شاهد شکل‌گیری شیوه‌های جدیدی از حکمرانی هستیم به‌نحوی که بازیگران غیردولتی در کنار حکومت‌ها نقش مهمی در حکمرانی یافته‌اند و می‌توانند نقش مکمل را برای کمک به آن‌ها در انجام وظایف خود ایفاء کنند. بر این اساس مطرح شدن شیوه حکمرانی چندسطحی نشانگر این است که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تنها حکومت‌ها نیستند که تصمیم‌گیر و مجری برنامه‌های خود هستند بلکه در کنار آن‌ها نهادهای فراملی، ملی، فراملی و جامعه مدنی نیز در حکمرانی مشارکت دارند.

حمایت از تنوع زبانی با توجه به خطر افول تنوع زبان‌ها در جهان موضوعی است که امروزه توجه دولت‌ها و انواع سازمان‌های دولتی و غیردولتی داخلی و بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این مطلب در مورد کشورمان نیز صدق می‌کند. امروزه تنوع زبانی در ایران بر اثر شهرنشینی به مخاطره افتاده است. با توجه به گستره تنوع زبانی در ایران و نیاز به امکانات مادی و فنی قابل ملاحظه جهت حفظ، احیاء و ترویج زبان‌های بومی و همچنین فقدان ساختار حقوقی و نهادی مسئول، ضرورت تحول حکمرانی فرهنگی از حکمرانی دولتی به حکمرانی فرهنگی چندسطحی برای حفظ تنوع زبانی به چشم می‌خورد. از این‌رو شایسته است با توجه به اهمیت حفظ گنجینه زبان‌های بومی و محلی ایران، حاکمیت با نگاهی صرفاً فرهنگی بستر و زمینه فعالیت بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی را فراهم کرده به‌نحوی که این مؤسسات بتوانند علاوه بر منابع مالی و امکانات داخلی، از همکاری‌های مادی و فنی مؤسسات غیردولتی و دولتی بین‌المللی همچون یونسکو جهت حمایت از تنوع زبانی کشورمان بهره‌مند شوند. با توجه به فقدان الزام قانونی دولت برای حمایت از حفظ تنوع زبانی در کشور و همچنین نبود ساختارهای نهادی و حقوقی دولتی مناسب برای این امر، این خلاءها می‌تواند بستر و فرصت مناسبی را برای سازمان‌های غیردولتی فراهم آورد تا آن‌ها با نظارت دولت، بار این مسئولیت سنگین فرهنگی را بر دوش کشند. این سازمان‌ها که عموماً به‌طور تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کنند، با توجه به ماهیت‌شان بهتر و بیشتر از نهادهای دولتی می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد متخصصان و مردم فرهنگ

دوست را فراهم کرده و با جلب مشارکت مادی و معنوی آن‌ها در این حوزه از فرهنگ، درزمینه حفظ و احیاء تنوع زبانی در کشور گام بردارند؛ همان‌طور که فعالیت‌های خانه فرهنگ گیلان و مؤسسه سمن بویان سمنان در حمایت از تنوع زبانی کارنامه موفق و درخشانی از دو سازمان غیردولتی را به نمایش می‌گذارد. هرچند نقطه ضعف فعالیت آن‌ها را می‌توان، عدم تعامل با سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی و استفاده از حمایت‌های آن‌ها در حوزه تنوع زبانی دانست، امری که باید از سوی نهادهای دولتی به‌عنوان تسهیلگر این امر مدنظر قرار گیرد و فعالیت جدی و جدیدی نیز از سوی این مؤسسه‌های مردم نهاد صورت گیرد.



منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- اوبرای، ا.س. (۱۳۷۰). مهاجرت، شهرنشینی و توسعه. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- باقری، رحمان؛ اسفندیاری، غفار؛ احمدی، حبیب؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۹۹). «مطالعه جامعه‌شناختی هویت زبانی مهاجرین قوم لک ساکن تهران»، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی دانشگاه پیام نور. ۲ (۱۰): ۱-۱۰.
DOI: 10.30473/IL.2020.47104.1273
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۰). مرگ زبان: مبحثی در جامعه‌شناسی زبان. آمل: نشر شمال پایدار.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۷). «تحلیلی اجتماعی - زبانشناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران». فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. ۱۰ (۲۷): ۱۴۵-۱۱۹.
DOI: 10.22051/JLR.2017.12396.1218
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: نگاه معاصر
- بنائی بابازاده، امین (۱۳۹۶). سازمان‌های مردم‌نهاد، از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- خانه فرهنگ گیلان (۱۴۰۲). کارنامه، نگاهی به دو دهه فعالیت‌های فرهنگی - هنری خانه فرهنگ گیلان. رشت: خانه فرهنگ گیلان.
- داوری اردکانی، نگار و جلیلیان، آذردهخت (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی زبان: برنامه‌ریزی زبان فارسی و نگرش‌های زبانی. تهران: جامعه‌شناسان.
- ربانی، رسول؛ وحید، فریدون (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری. تهران: سمت، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۸). «دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران)». جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای. پیش شماره پاییز و زمستان. ۱۴۳-۱۶۵.
- ساعی ارسلی، ایرج (۱۳۹۲). «تحلیل روند تحولات شهرنشینی در استان‌های ایران (۱۳۳۵-۸۵)». مطالعات علوم اجتماعی ایران. ۱۰ (۳۷): ۷۲۰-۴۲.
- سمن بویان (۱۴۰۲). بررسی دوازده سال فعالیت مؤسسه سمن بویان سمنان (۱۳۹۰-۱۴۰۲). سمنان: مؤسسه سمن بویان.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول تهران: سمت
- شولت، یان آرت. (۱۳۸۹) «جامعه مدنی جهانی» در ریچارد لیتل و مایکل اسمیت (ویراستار) دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۳۹۱-۴۰۶.
- صباغیان، علی و علومی، ابراهیم (۱۴۰۰). «جهانی‌شدن، تشدید شهرنشینی و افول تنوع زبانی». فصلنامه سیاست. ۳ (۳): ۷۸۸-۷۶۳.
https://jppq.ut.ac.ir/article_84604.html
- علومی، ابراهیم (۱۳۹۵). جهانی‌شدن و تحول سیاست‌های زبانی یونسکو. رساله دکتری روابط بین‌الملل. تهران: دانشگاه تهران.
- فتحی، الهام (۱۳۹۴). «روند شهرنشینی در ایران»، دوماهنامه تحلیلی پژوهشی آمار، ۳ (۲)، ۸-۱۵.
<https://amar.srtc.ac.ir/article-1-32-fa.html>

فراستی، شهلا؛ صابری، کورش و هیوا ویسی (۱۳۹۸) «فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران»، فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۷، ۲۵:۹۵-۱۱۰.
https://jlw.razi.ac.ir/article_1075.html.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل در عرصه تئوری و عمل. تهران: نشر دنیای اقتصاد.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و جهان سوم، روند جهانی‌شدن و موقعیت جوامع درحال توسعه در نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کک، مارگارت و سبیکینک، کاترین (۱۳۸۹). «شبکه‌های فرامرزی هواداری در سیاست بین‌الملل» در ریچارد لیتل و مایکل اسمیت (ویراستار). دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۳۴۲-۳۱۵.

ملت دوست، سولماز؛ احمدخانی، محمدرضا؛ شعیری، حمیدرضا و کریمی فیروزجایی، علی (۱۴۰۲). «بررسی متغیرهای اجتماعی و مهاجرت بر کاربرد تنوعات گویشی و زبانی در شهر تهران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی». فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۱(۲۵)، ۶۹-۸۲.

<https://doi.org/10.30473/il.2024.64109.1545>

مهرپور، حسین (۱۳۸۴). وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی. تهران: ثالث.

نقدی، اسدالله (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری: انسان و شهر. همدان: فناوران.

وحدانی نیا، ولی‌الله و درودی، مسعود (۱۳۹۸) «سیاست‌گذاری عمومی متأخر: گذار از «حکومت‌محوری» به «حکمرانی»». فصلنامه دولت پژوهی، ۵(۱۸)، ۱۳۱-۱۷۰.

<https://doi.org/10.22054/tssq.2019.32329.499>

ویلتز، پیتر (۱۳۸۳). «بازیگران فراملی و سازمان‌های بین‌المللی در سیاست جهانی» در جان بیلیس و استیو اسمیت. جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر جدید. جلد اول. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۸۵۴-۷۹۵.

هوشنگی، حمید (۱۳۹۹). برداشت‌های سیاستی و اجرایی از اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات ملی، ۴(۸۴)، ۲۴-۳.
https://www.rjnsq.ir/article_120486.html

Abbasi, M. G.; Ahsan, M.; Hussain, Z. (2020). "Determining Linguistic and Cultural Diminution: An Analysis of Urbanization and Migration in Pakistan" *Sir Syed Journal of Education & Social Research*.3(3).400-407.[https://doi.org/10.36902/sjesr-vol3-iss3-2020\(400-407\)](https://doi.org/10.36902/sjesr-vol3-iss3-2020(400-407))

Atlas of UNESCO. (2010). *Atlas of the World's Languages in Danger*. Paris: UNESCO.

Azkiya, Mostafa & Qolamreza Qafari. (1998). *Sociology of Development*. Tehran: Kalameh. [in Persian]

Bashirnezhad, Hassan. (2011) *Language Death (A course in Sociolinguistics)*. Amol: Shomal-e-paydar. [in Persian]

Bashirnezhad, Hassan. (2018). "A Socio-linguistic Analysis on the Status and Usage of Mazandarani and Persian in Mazandaran". *Journal of Language Research*. 10(27).119-145.
https://jlr.alzahra.ac.ir/article_2755_c32aa079276dfc497b930c3732643b3f.pdf?lang=en
[in Persian]

- Bashiriyeh, Hossein. (2001). *Democracy Lessons for All*. Tehran: Negah e Moaser. [in Persian]
- Banayi Babazadeh, Amin. (2017). *NGOs, from Human Development to Civil Partnership*. Tehran: Negah e Moaser. [in Persian]
- Bagheri, Rahman; Ghafarinasab, Esfandiar; Ahmadi, Habib & Abbasi-Shavazi, Mohammad Taghi. (2020). "A Sociological Study on Linguistic Identity of Lak Migrant in Tehran". *Iranian Journal of Sociolinguistic*. 2(10). 49-59. http://journals.pnu.ac.ir/article_6681.html [in Persian]
- Bulkeley, H; Davies, A.; Evans, B.; Gibbs, D.; Kern, K.; Theobald, K. (2003). "Environmental Governance and Transnational Municipal Networks in Europe". *Journal of Environmental Policy and Planning*. 5(3), 235-254.
- Trinh, Cam Lan. (2019). "Urbanization and Language Change in Vietnam: Evidence from a Rural Community in Hanoi". *European Journal of Literature and Linguistics*. 4. 23-30. <https://doi.org/10.29013/EJLL-19-4-23-30>.
- Choudhary, K. (2004). "Global Civil Society, Globalization and Nation-State", *Paper presented at the ISTR Conference 2004 held at Toronto, Canada*. 1-23.
- DESA. (2012) *World Urbanization Prospects: The 2011 Revision*. New York: UN.
- Dichter, T. (1999) "Globalization and Its Effect on NGOs: Efflorescence or a Blurring of Roles and Relevance?" *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*. 28(4), 38-58. DOI: 10.1177/089976499773746429
- Enderlein, H.; Wälti, S.; Zürn, M. (2010). *Handbook on Multi-level Governance*, USA: Edward Elgar Publishing.
- Fukuyamam, F. (2016). "Governance: What Do We Know, and How Do We Know It?" *The Annual Review of Political Science*. 19. 89-105. <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-042214-044240>
- Farasati, Shahla; Saberi, Kouroush & Weisi, Hiwa. (2019) "Language Attrition among Kalhori Kurdish Speakers Living in Tehran", *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*. Vol 7, No 25. 95-110. https://jlv.razi.ac.ir/article_1075.html [in Persian]
- Ghavam, Abdolali. (2014) *The Application of Theories of International Relations*. Tehran: Donyay e Eghtesad. [in Persian]
- Ghavam, Abdolali (2003) *Globalization and Third World*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. [in Persian]
- Graham, J.; Amos, B.; Plumptre, T. (2003) "Principles for Good Governance in the 21st Century", *Policy Brief*. No.15. Ottawa: Institute on Governance.
- Gilan Culture House. (2023) *Record, Review of Two Decades of Cultural and Art Activities of Gilan Culture House*, Rasht: Gilan Culture House. [in Persian]

- Harrison, D. K. (2007) *When Languages Die: The Extinction of the World's Languages and the Erosion of Human Knowledge*. Oxford, New York: Oxford University Press.
- Held, David; Mc Grew, Anthony; Goldblatt, David & Perraton, Jonathan. (1999) *Global Transformations: Politics, Economics and Culture*. Stanford: Stanford University Press.
- Hooghe, L & Marks G. (2001) "Types of Multi-Level Governance," *European Integration Online Papers*. 5(11),1-24. <https://eiop.or.at/eiop/pdf/2001-011.pdf>.
- Hooghe, L & Marks (2002) "Types of Multi-Level Governance," *Les Cahiers européens de Sciences Po*. No 03.1-30.
- Hooshangi, Hamid. (2020) "Policy and Executive Perceptions of Article 15 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran" *National Studies Quarterly*. 21(4). 3-24. https://www.rjnsq.ir/article_120486.html [in Persian]
- IOM. (2015) *World Migration Report 2015; Migrants and Cities: New Partnerships to Manage Mobility*. Geneva: IOM.
- Iriye, Akira (1999) "A Century of NGOs," *Diplomatic History*, 23(3),421-435.DOI: 10.1111/0145-2096.00175
- Jalt. (2023) <https://jalt-publications.org/tlt/articles/2054-linguapax-languages-and-peace> (Accessed:4,July,2023).
- Oberai,A.S. (1991) *Migration, Urbanization and development*, Translated by F. Ershad, Tehran: Labour and Social Security Institute. [in Persian]
- Oloumi, Ebrahim. (2017) *Globalization and Development of UNESCO's Language Policies*. PhD Thesis in International Relations, Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Keck, Margaret & Sikink, Kathryn. (2010) "Transnational Advocacy Networks in International Politics" in Richard Little & Michael Smith, eds *Perspectives on World Politics*, Translated by: A. Tayeb. Tehran: Elmi va Farhangi Press. 315-342. [in Persian]
- King,I. & Schramme,A.,eds. (2019) *Cultural Governance in a Global Context*. Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Krauss, Michael. (1992) "The World's languages in Crisis" *Language*. 68(4), 4-10. DOI: 10.1353/lan.1992.0075.
- Linguapax.(2023) <https://www.linguapax.org/en/>(Accessed:4,July,2023).
- Mc Grew, Anthony (2000) "Power Shift: From national government to global governance?" in David Held. ed. *A Globalizing World? Culture, Economics, Politics*, London and New York: Routledge in association with The Open University. 128-169.
- Mehrpour, Hossein. (2005) *The Difficult Task of Monitoring the Implementation of the Constitution*, Tehran: Sales. [in Persian]
- Naghdi, Asadollah. (2003) *An Introduction to Urban Sociology: Human and City*. Hamedan: Fanavaran. [in Persian]

- Rabani, Rasoul & Vahida, Freidoune. (2002) *Urban Sociology*. Tehran: SAMT and Isfahan: University of Isfahan. [in Persian]
- Rahnamayi, Mohammad Taghi. (2009) "State and Urbanization in Iran (Basics and General Principles of the Theory of City Development and Urbanization in Iran)," *Geography and Regional Planning*. No Fall and Winter. 143-165. <https://www.sid.ir/paper/465464/fa> [in Persian]
- Sabbaghian, Ali and Oloumi, Ebrahim. (2021) "Globalization, Intensification of Urbanization and Decline of Linguistic Diversity," *Journal of Politics Quarterly*. 51(3). 788-763. https://jppq.ut.ac.ir/article_84604_cce804f5bcb4dc12776a9aa733d2a5d2.pdf?lang=en [in Persian]
- Saeed Arasi, Iraj. (2013) "Analysis of Urbanization Trends in the Provinces of Iran (1956-2006)" *Social Science Studies of Iran*. No37. 42-72. <https://www.sid.ir/paper/255064/fa> [in Persian]
- Samanbooyan. (2023) *12 Years Activities of Samanbooyan Institute*, Semnan: Samanbooyan Institute. [in Persian]
- Scholte, Jan Aart. (2010) "Global Civil Society" in Richard Little and Michael Smith, eds, *Perspectives on World Politics*. Translated by: A. Tayeb. Tehran: Elmi va Farhangi Press. 391-406. [in Persian]
- Pen Report. (2015-2019) *Pen International Impact and Learning Report 2015-2019*. London: Pen International
- Pen. (2023) <https://www.peninternational.org/> (Accessed: 19, June, 2023)
- Saito-Jensen M. (2015) *Theories and Methods for the Study of Multilevel Environmental Governance. Guideline*. Bogor, Indonesia: CIFOR.
- Schmitt, T. (2009) "Global Culture Governance. Decision Making About World Heritage Between Politics and Science" *Erdkunde*, 63(2), 103-121. DOI: 10.3112/erdkunde.2009.02.01
- Shokuyi, Hossein. (1994) *New Perspective in Urban Geography*. Tehran: SAMT. 1st Vol. [in Persian]
- UDLR. (1998) *Universal Declaration of Linguistic Rights*, Orlando (Florida): Harcourt Brace & Company.
- UN NGOs. (1948-2010) *NGOs in Consultative Status with ECOSOC by Category (1948-2010)*, available at: https://www.globalpolicy.org/images/pdfs/NGOs_in_Consultative_Status_with_ECOSOC_by_Category.pdf
- UN. (2007) *Resolution adopted by the General Assembly on 16 May 2007*. A/Res/61/266. New York: UN.
- UN. (2022) *List of non-governmental organizations in consultative status with the Economic and Social Council as of 31 December 2022*, E/2022/INF/5

UNESCO Transparency (2021a) <https://opendata.unesco.org/en/what-are-our-funds-being-spent-on/sector>

UNESCO Transparency. (2021) <https://opendata.unesco.org/en/>

UNESCO. (2008). *International Year of Languages*. Paris: UNESCO

UNESCO. (2014) *UNESCO Culture for Development Indicators*, Paris: UNESCO.

UNESCO. (2021) *The International Year of Indigenous Languages*. Paris: UNESCO.

Wikipedia.(2023)https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D8%AF%D8%B1%D8%AE%D8%B7%D8%B1(Accessed:19,June,2023)

World Commission on Culture and Development. (1995) *Our Creative Diversity*, Paris: UNESCO.

Willets, Peter. (2004) "Transnational Actors and International Organization in Global Politics" in John Baylis and Steve Smith, eds *The Globalization of World Politics (An Introduction to International Relations)*. Translated by: A. Rahchamani and Others. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute. Vol 1.795-854. [in Persian]





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی